

الگوی رهبری فرهنگی

• دکتر علی عسگری



چکیده

چند سالی است که رهبر انقلاب در آستانه‌ی سال نو شمسی بر اساس دغدغه‌های نظام اسلامی یا نیازهای فرهنگی و سیاسی جامعه، نامی برای سال جدید برمی‌گزینند و از یکایک مردم و مسئولان می‌خواهند به این نام‌گذاری و عمل به محتوای آن پایبند باشند. این سنت حسنه که برگرفته از نیازها و ضرورت‌های امروزین انقلاب اسلامی و جامعه ماست از چند منظر قابل تامل و بررسی است.

در ابتدایی‌ترین سطح تحلیل، می‌توان این نام‌گذاری را به منزله «دستور مستقیم» رهبری دانست که دربردارنده جهت کلان مورد نظر برای دستگاه‌های حکومتی است و به این شکل در آستانه سال جدید به آنها ابلاغ می‌گردد. این تحلیل هرچند غلط نیست، اما پذیرش آن به سادگی و بدون توجه به سایر ابعاد متصوره، فروکاستن نقش و جایگاه فرهنگی رهبری و تنها تکیه بر وجوه حکومتی ایشان است. در سطح بعدی تحلیل، ارزیابی موضوع با چارچوب «رهبری فرهنگی» جامعه و نظام اسلامی مطابقت دارد و این‌گونه نام‌گذاری‌ها یک نوع «سیاست‌گذاری فرهنگی» برای حاکمیت و القای جهت فرهنگی به مردم در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی رهبری هم در سطح حاکمیتی و هم در سطح امامت امت اسلامی به تعیین وظیفه نهادهای حکومتی و آرمان‌آفرینی در لایه فرهنگ عمومی می‌پردازند.

اگر تحلیل دوم را دقیق‌تر و جامع‌تر بدانیم؛ در آن صورت بر نقش رهبری فرهنگی رهبر انقلاب تکیه نموده‌ایم و آن را بر سایر نقش‌های حکومتی ایشان مقدم داشته‌ایم. اما آیا واقعاً می‌توان رابطه رهبری فرهنگی با فرهنگ عمومی را در مؤلفه‌هایی چون نام‌گذاری سال‌ها جستجو کرد؟ برای یافتن پاسخی درخور این پرسش، لازم است اشاره‌ای به ابعاد موضوع رهبری فرهنگی داشته باشیم. هرچند از سالیانی بیش از یک‌دهه تفاوت‌های میان مدیریت و رهبری مورد توجه محافل علمی قرار گرفته است، اما بررسی این امر در حوزه فرهنگ و مدیریت فرهنگی قطعاً نیازمند تامل بیشتری است؛ چرا که در این عرصه، سروکار ما غالباً با مفاهیم است تا تعاریف؛ و ناگزیر دقت و هوشمندی بیشتری باید داشت.

تفاوت رهبری و مدیریت

گروهی معتقدند رهبری فرهنگی یعنی فعالیت‌هایی که مردم را برای تلاش مشتاقانه در جهت اهداف متعالی فرهنگی جامعه، تحت تاثیر قرار می‌دهد و در تفاوت رهبری و مدیریت نیز گفته شده که رهبری یعنی نفوذ در دیگران برای نیل به هدف، ولی اگر این نفوذ برای نیل به اهداف سازمانی باشد، آن را مدیریت می‌نامند.

این برداشت از رهبری به مثابه هدایت فکری، اعتقادی و فرهنگی، به‌خوبی نشانگر تفاوت مدیریت فرهنگی و رهبری فرهنگی است. به عبارت دیگر تفاوت اصلی این دو را باید در مؤلفه‌های تربیتی و رشدافزین فکری و فرهنگی آنها جستجو کرد؛ بنابراین رهبری فرهنگی یک جامعه، همواره در اختیار کسانی است که علاوه بر شناخت دقیق فرهنگ ملی، در حوزه فرهنگ عمومی دو اصل مهم را مورد توجه قرار دهند: نخست کسب مرجعیت فکری - فرهنگی از راه گفت‌وگو سازی و سپس تعالی بخشی از راه آرمان‌آفرینی.

۱- گفت‌وگو سازی

یکی از ویژگی‌های رهبران مقتدر در هر جامعه‌ای،

خلق گفت‌وگوهای مسلط اجتماعی است. گفت‌وگو مسلط فرهنگی هر جامعه نیز که تعیین‌کننده فضای کلی تعامل‌های فرهنگی و اجتماعی است، باید از سوی رهبران تعیین شود یا به عبارت دیگر هر کس بتواند آفریننده و جهت‌دهنده به این گفت‌وگو باشد، رهبر فرهنگی جامعه است.

خلق یک گفت‌وگو علاوه بر وجوه فکری و فرهنگی که الزاماً بر پایه‌های یک جهان‌بینی روشن و مشخص بنا شده، در عرصه اجتماعی بیشتر معطوف به فراهم‌آوری فضایی است که علاوه بر ویژگی‌های فکری دربردارنده «تفوق فرهنگی» است؛ بنابراین گفت‌وگو مسلط، همانی است که در عرصه فرهنگ عمومی به مرجعیت فرهنگی رسیده و اغلب روابط و مناسبات فرهنگی براساس مؤلفه‌های آن شکل می‌گیرد.

به نظر می‌رسد علاوه بر همه تلاش‌های رهبر انقلاب برای اصلاح و ارتقای وضعیت فرهنگی موجود، نام‌گذاری سالانه یکی از اضلاع تدابیر ایشان برای ترسیم گفت‌وگو مسلط فرهنگی - اجتماعی باشد که در صورت برخورد صحیح مدیران فرهنگی با آن، می‌توان انتظار داشت در یک دوره زمانی چندساله، اندک اندک به مرجعیت فکری - فرهنگی به‌ویژه در عرصه راهبری فرهنگ عمومی بینجامد.

۲. آرمان‌آفرینی

در دسته‌بندی عوامل اقتدار رهبران گفته شده که دو نوع اقتدار، رهبران را در انجام رسالت‌های خویش یاری می‌رساند: اول اقتدار ناشی از توانایی‌های شخصی و دوم اقتدار ناشی از جایگاه حکومتی. در اندیشه سیاسی اسلام اما عامل سومی هم وجود دارد که از قضا از دو عامل پیشین با اهمیت‌تر است و آن ارتباط معنوی رهبری با خداوند متعال است. بنابراین فراتر از دو عامل پیش، رهبر نظام اسلامی همواره از یک اقتدار معنوی آرمان‌آفرین و برانگیزاننده نیز برخوردار است.

در نظام اسلامی که برخوردار از جهان‌بینی مشخص و مستدلی است و آرمان‌های متعالی دارد، توجه دادن به آرمان‌ها و خلق مفاهیم نو از میان آنها، می‌تواند به آفرینش افق‌های روشن در میان گیر و دار روزمرگی‌ها بینجامد. به همین سبب، هنر خلق اندیشه و آرمان متعالی را می‌توان مهم‌ترین ویژگی فرهنگی رهبری و از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تمایز رهبری فرهنگی در نظام اسلامی با سایر نظام‌ها دانست.

یکی از تفاوت‌های اساسی مدیر و رهبر فرهنگی نیز در همین خصلت است. مدیران معمولاً به دلیل ویژگی عملیاتی خود پس از مدت کوتاهی عمل‌زده و تسلیم واقعیت‌های موجود می‌شوند، اما رهبران فرهنگی پیوسته از آرمان‌ها دفاع می‌کنند و درصدد تغییر شرایط به نفع آرمان‌ها هستند. درعین حال آنها می‌پذیرند که

راه رسیدن به آرمان‌ها راهی سخت و دشوار است و هیچ‌گاه نباید تسلیم موانع شد؛ به تعبیر امام راحل (ره) تاخیر در رسیدن به اهداف دلیل عدول از آنها نیست.

اگر جامعه آرمان متعالی نداشته باشد، در پیچ و خم روزمرگی متوقف خواهد شد و هیچ‌گاه به قله تعالی نخواهد رسید. بنابراین به نظر می‌رسد مهم‌ترین ویژگی فرهنگی رهبری، زدودن این رخوت از جامعه و حرکت دادن مردم به سوی آرمان‌ها، در چارچوب فرهنگ عمومی است. نباید فراموش کرد که در طول تاریخ از رهبرانی که جامعه را حرکت داده‌اند و بذر امید و شادابی و ایمان به پیشرفت را در دل‌ها کاشته‌اند، به نیکی یاد شده است. آنها به گواهی مردم خویش حتی در طول قرن‌های پس از مرگشان اقتدار معنوی خود را حفظ کرده‌اند.

با این نگاه، نام‌گذاری سالانه را می‌توان مصداقی از آرمان‌آفرینی رهبری برای حرکت دادن و ایجاد امید و نشاط به جامعه دانست. آرمانی بودن افق نگاه رهبری البته به معنای چشم بستن بر حقایق جامعه و فضای بین‌المللی فرهنگ نیست، بلکه مقصود آن است که رهبری همچنان که آرمانی می‌اندیشد، در حوزه عمل و تدبیر نیز واقعیت‌های امروزی جامعه را در نظر دارد.

جامعه و مردم هیچ‌گاه در فضای انتزاعی به سر نمی‌برند. رهبران مقتدر نیز می‌دانند که ضمن پاسداشت آرمان‌های متعالی فرهنگی باید ناظر به مسایل و مشکلات زندگی روزمره و نیازها و ضرورت‌های جامعه و فرهنگ عمومی تصمیم‌گیری کنند. با بررسی عناوین انتخابی رهبر برای سال‌های گذشته به‌خوبی می‌توان متوجه این واقعیت شد که هرکدام ناظر به یک مساله اجتماعی و فرهنگی و تلاش برای سامان دادن به آن طراحی شده است. به نظر می‌رسد سال‌های پیامبر اعظم (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و عزت و افتخار حسینی (ع) برای الگوگیری از وجود مبارک پیامبر و ائمه علیهم‌السلام در زندگی اجتماعی؛ سال انضباط اجتماعی برای جلب توجه مردم به رعایت نظم و قانون متناسب با الزامات زندگی اجتماعی؛ سال نوآوری و شکوفایی برای جلب توجه نخبگان به خلق و آفرینش افق‌های جدید و حفظ نشاط اجتماعی در لایه‌های گوناگون مردم و سال اصلاح الگوی مصرف برای عنایت بیشتر به حفظ و نگهداری منابع ملی و برحذر داشتن مردم از مصرف بی‌رویه منابع و امکانات به این نام‌ها متناسب شده‌اند.

چنان که ملاحظه می‌شود، همه این موارد جزء ضرورت‌ها یا آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه امروز ایران اسلامی هستند. اگر عناوین این چند سال کنار هم قرار گیرند؛ ما را به گونه‌ای از آسیب‌شناسی عمومی وضعیت فرهنگی رهنمون می‌سازند. با این‌همه، باید در مورد اهداف و ضرورت‌های این نام‌گذاری‌ها بیشتر تامل نمود و هم‌زمان آنها را با اقتضائات دهه عدالت و پیشرفت تحلیل کرد. ■